

# کاروان وجودان



# كاروان وجودان

vicdankonvoyu.org :TR  
conscienceconvoy.org :EN  
conscienceconvoy.org/ar :AR  
/conscienceconvoy.org/ru :RU

vicdankonvoyu@gmail.com :Email



/vicdankonvoyu  
/womenconvoy  
/Conscience\_Conv

# فهرست

۴	_____	ما که هستیم؟
۶	_____	هدف ما چیست؟
۸	_____	اصول و روش ها
۱۰	_____	چرا کاروان وجدان؟
۱۶	_____	کاروان وجدان چگونه تشکیل شد و به راه افتاد؟
۲۴	_____	بعد از این چه خواهیم کرد؟
۴۶	_____	به نقل از شرکت کنندگان
۴۸	_____	توضیحات زنان زندانی شده

# پس از شروع جنگ سوریه در مارس سال ۲۰۱۱

حد اقل ۱۵ هزار کودک کشته شد

قریب به یک میلیون نفر جان خود را از دست دادند



بیش از ۵ میلیون نفر مجبور به ترک کشورشان شدند

۶ میلیون نفر در داخل کشور بی خانمان شدند

۱۳ میلیون نفر احتیاج به مدد رسانی پیدا کردند



تعداد مفقودانی که تا به حال هیچ اطلاعاتی از آنان وجود ندارد و مفقود هستند بیش از ۸۵ هزار نفر می باشد

حد اقل ۱۳ هزار نفر تحت شکنجه کشته شدند




حد اقل ۴۰۰ هزار نفر دستگیر و بازداشت شدند



تا کنون ۱۳.۵۸۱ نفر از زنان سوریه ای بازداشت و زندانی شدند

طبق امارتعداد زنانی که در حال حاضر در زندان های رسمی زندانی هستند بالغ بر ۶۷۳۶ نفر می باشد

که ۴۱۷ نفر از این تعداد دختر بچه هستند



# کاروان وجدان جهت رهایی زنان زندانی شده به راه افتاد

در این فعالیت بین المللی که سه روز ادامه داشت؛

از ۵۵ کشور ۱۰ هزار شرکت کننده



توسط ۲۰۰ اتوبوس

به مرز ترکیه-سوریه رسیدند



۴۵۰ سازمان غیر دولتی  
حامی این کاروان  
بودند



اخبار فعالیت و حرکت این  
کاروان در جراید و مطبوعات  
۱۵۰ کشور منعکس گردید



۶۰۰۰ نامه به سراسر  
دنیا ارسال گردید



۱۰ هزار زن در مرز با بستن دستان خود  
تحصن فریاد خاموش را برگزار نمودند

# ما که هستیم؟

ما زنان مدرس، حقوقدان، روزنامه نگار، کارمند، دکتر، هنرمند، ورزشکار، سیاستمدار، خانه دار، کاسب، تاجر و غیره از صدها نمایندگی انجمن های اجتماعی دور هم گرد آمده ایم تا با همراهی زنان مظلوم سوریه برای احقاق حقوق زنان محکوم و زندانی در سوریه حرکتی را آغاز کردیم. ما با بسیاری از زنان سراسر جهان تماس برقرار کرده و حمایت آنان را به این جنبش جلب کرده ایم. هدف ما افشای واقعیت شکنجه و تجاوز در زندان های سوریه به زنان در این کشور و ایجاد راه چاه برای نجات آنهاست. ما با یک کادر زنان موثر و چند ملیتی یک گروه بنام «کاروان وجدان» تشکیل دادیم و با شعار «حفاظت از زن حفاظت از بشریت است» در روز زن یعنی ۸ مارس یک حرکت و راهپیمایی برنامه ریزی کردیم.

ما بعنوان زنان از تمامی ملل و از سراسر جهان تحت عنوان «کاروان وجدان» جهت آزادی زنان سوریه که بصورت غیر قانونی در زندان ها اسیر هستند و تحت شکنجه قرار دارند به مبارزه خود ادامه خواهیم داد.

این کاروان که متشکل از زنان ۵۵ کشور مختلف جهان است در ترکیه گردهم آمد و در مسیر تعیین شده حرکت کرد. بسیاری از زنان از سراسر دنیا که این حرکت را حمایت می کنند نیز با وجود اینکه نتوانستند حضور فعلی داشته باشند ولی پیام حمایت ارسال کردند.





# هدف ما چیست؟

- هدف ما جلب دقت افکار عمومی دنیا به روند افزایش ناهنجاری هایی مانند شکنجه، تجاوز، کشت و کشتار، زندان و معضل پناهندگی که از آغاز جنگ در سوریه که هر روز بیش از پیش زنان این کشور را تهدید می کند است.
- ما خواهان آزادی تمام زنان و دختر بچه های سوریه ای که در زمان جنگ به نا حق در زندان ها بسر می برند هستیم.
- از تمامی بشریت درخواست داریم تا جهت حفاظت موثر از زنان در هنگام جنگ نیز تدابیر ویژه اتخاذ شود.





**VICDAN  
KONVOYU**



# اصول و روش ما



«کاروان وجدان» از بسیاری گروه های متفاوت اجتماعی، گروه های حمایت از زنان، گروه های فکری و عقیدتی متشکل است. به این منظور هدف ما گرد هم آبی تمامی این گروه ها با یک آرمر و شعار مشترک و با هدف آزادی زنان زندانی در سوریه و اخذ تدابیر حفاظتی ویژه از زنان در هنگام جنگ است تمامی گروه های متشکل با نقطه نظر مشترک فوق الذکر این حرکت را حمایت می کنند. یک اتویوس بعنوان کاروان مد نظر گرفته شده است و با هدف آزادی زنان سوریه بعد از راهپیمایی نیز بعنوان یک حرکت اجتماعی به فعالیت های خود ادامه خواهد داد.





# چرا کاروان وجدان؟

KADINI  
İNSANI KORU









از ماه مارس ۲۰۱۱ که جنگ داخلی در سوریه آغاز شد تا به امروز تقریباً یک میلیون نفر کشته شده و حداقل چهارصد هزار نفر به زندان افتاده و بیروت آمده‌اند. تعدادی از این افراد در حال حاضر در زندان‌ها بسر می‌برند.

هومن رایتس واچ، با تکیه بر اطلاعات «مخابرات» در سال ۲۰۱۲ میلادی اعلام کرد که ۲۷ مرکز زندان وجود دارد. در خصوص تعداد رسمی زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها اطلاعات به روز رسیده و معتبر موجود نیست. بر اساس اطلاعات حاصل از کمیسیون بررسی بیطرف سوریه سازمان ملل متحد تعداد بیشماری از زندانیان مرد و زن در زندان‌ها توسط حامیان رژیم مورد تجاوز قرار گرفته‌اند.

براساس گزارش سازمان‌های حقوق بشر سوریه از سال ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۱۷ میلادی تعداد ۱۳٬۵۸۱ زن به زندان افتاده است. از ماه مارس ۲۰۱۱ که جنگ داخلی سوریه آغاز شده است تا کنون تعداد زیادی زن به زندان افتاده است ولی در حال حاضر این رقم بالغ بر ۶٬۷۳۶ زن است. ۶٬۳۱۹ نفر از آنان زنان بالغ و ۴۱۷ نفر دختر بچه هستند. این رقم تنها ارقام رسمی موجودی در زندان‌ها است. ارقام موجود در زندان‌های غیر رسمی مانند کارخانجات و بناهای متروکه که بعنوان زندان از آنها استفاده می‌شود در دسترس نمی‌باشد. برخی از این زنان در حالیکه باردار بودند به زندان افتاده‌اند و در همانجا زایمان کرده‌اند. برخی از زنان نیز به همراه فرزندان یا فرزندان‌شان به زندان افتاده‌اند. برخی دیگر از زنان در زندان‌ها مورد تجاوز قرار گرفته و در نتیجه آن حامله شده‌اند و در همان زندان‌ها زایمان کرده‌اند. کمیسیون بررسی و تحقیقات سوریه سازمان ملل متحد با ایراز نگرانی از ایجاد اضطراب و تروما اعلام کرد ارقام واقعی بیش از آنچه که اعلام شده است.

براساس گزارش سازمان عفو بین‌الملل از زندان «صیدناپا» زندانیان سیاسی توسط دادگاه‌های نظامی در عرض چند دقیقه محاکمه و به مرگ محکوم می‌شوند و بصورت دست جمعی اعدام می‌شوند. بر اساس همین گزارش هر هفته گروه‌های ۱۵ تا ۲۰ نفره که به اعدام محکوم شده‌اند بعنوان «پارتی روز آخر هفته» بعد از شکنجه توسط محافظان به بلوک اعدامی‌ها منتقل می‌شوند. و به این ترتیب بر اساس این گزارش هر دو هفته یکبار اعدام دست جمعی انجام می‌شود.

یکی از افسران پلیس ارتش سوریه که ۱۳ سال سابقه کار داشت مامور شد تا طی جنگ داخلی سوریه از اجساد که به بیمارستان‌های وابسته به رژیم آورده می‌شوند عکس بگیرد. تمام اجساد که به این مراکز آورده می‌شدند متشکل از









مخالفانی بودند که در اثر شکنجه دیدن، با دست خفه شده و یا در اثر گرسنگی جان داده اند. این افسر هر روز از صورت و بدن این اجساد عکس گرفته و با شماره گذاری آنها را به مقامات ارشد گزارش کرده است.

نوشته های رمزار روی صورت و بدن این اجساد و عکسهای گرفته شده بعنوان مدرک دال بر دستور کشتار و اعدام دست جمعی منظم ارتش سوریه مورد قبول واقع شده است. این افسران و همکارانش که در عرض دو سال ۵۵ هزار قطعه عکس گرفتند بیش از این فشار روانی این بار را متحمل نشده و مخفیانه با مخالفان سوریه ارتباط برقرار کردند. این افسر پلیس عکس های را که در طول دو سال گرفته بود را در یک کارت حافظه ثبت کرد و آن را به مخالفان داد. با اقدام و پیگیری مخالفان نزد حقوقدانان و صاحب نظران بین الملل نقض حقوق بشر و جرائم جنگی، هیئت ویژه ای متشکل از پزشکان قانونی و عکاسان خبره جهت بررسی این عکسها تشکیل شد. این هیئت ۲۶ هزار عکس از مجموع ۵۵ هزار عکس ارائه شده را بررسی کرد. بنا بر بررسی انجام شده مشخص شد که قربانیان بصورت منظم شکنجه شده اند، آنان در حالی که دست و پایشان بسته بوده شکنجه شده اند و توسط سیم، طناب و حتی توسط تسمه موتور خفه شده و به قتل رسیده اند. مورد دیگری که در این خصوص قابل توجه بود این است که گرسنگی بعنوان یک عامل شکنجه مورد استفاده قرار گرفته است. کمیسیون با بررسی ۵۵ هزار قطعه عکس تعداد این قربانیان را ۱۱ هزار نفر تخمین می زند.

براساس ارقام اعلام شده توسط سازمان شبکه حقوق بشر سوریه (SNHR) تا ماه آگوست ۲۰۱۷ میلادی در سوریه از ۸۵ هزار نفر مفقودالثر خبری دریافت نمی شود.

**«کاروان وجدان» دقیقا برای جلوگیری از ادامه این ظلم مخصوصا بر علیه زنان و کودکان براه افتاد. این حرکت با هدف آزادی زنان و کودکانی که در زندان های رژیم سوریه مورد شکنجه و تجاوز قرار دارند به فعالیت های خود ادامه می دهد.**



# زنان زندان شده توضیح می دهند

## ام محمد

گوتای شرقی

در سال ۲۰۱۲ یک روز صبح در مسیر محل کارم توسط نیروهای رژیم دستگیر شده به محل بازداشتگاه منتقل و در آنجا مورد ضرب و شست قرار گرفتم. بعد از ۳ بار بازپرسی به همراه ۷ زن دیگر در یک اتاق زندانی شدیم و به زور حجاب ما را باز کردند. پیش چشم همه مورد تجاوز قرار گرفتم. از چهره تمام زندانیان مشخص بود که متحمل شکنجه شده اند. شما با حیستیت به آنجا وارد می شوید ولی با حیستیت از آنجا خارج نخواهید شد. بدفعات به زنان در بند شکنجه و تجاوز می شد. صدای فریاد آنان هنوز در گوشم است. نمی توانم آنها را فراموش کنم.

## مریم

هاما

۲۴ ساله و مادر ۴ کودک هستم. در زندان شکنجه فراوان دیدم. به فرماندهی که به من تجاوز می کرد گفتم تو را به خدا نکنید. وی می گفت خدایی وجود ندارد. می گفتم تو را به پیغمبر قسم نکنید. می گفت به مرخصی رفته. می پرسید کدام شیرین تر است؟ سوال چندش آوری مانند «مال ارتش آزادی خواه سوریه و یا مال ما» را از من می پرسید. تا به حال خیلی سعی کردم صدای فریادمان را بگوش همگان برسانیم. به سازمان های حقوق بشر رفتیم، سعی کردیم با سران کشورها ملاقات کنیم. اما نا موفق بودیم. هیچکس صدای ما را نشنید.

## امیرا طیار



در سال ۲۰۱۳ در زندان های سوریه شکنجه دیدم و هنوز هم تحت تاثیر آن هستم. وقتی راه می رفتیم روی اجساد قدم می زدیم. بعد اجساد را بخورد سگ ها می دادند. لخت مادرزاد ما را آویزان می کردند و ناخن هایمان را می کشیدند. حتی بعضی اجساد را به گوشت چرخ کن می انداختند. چون حمام نمی کردیم بیماری به وفور یافت می شد. انواع شکنجه ها را دیدم. پسرمان را اعدام کردند. شوهرم از سال ۲۰۱۱ در زندان زیر شکنجه است و از او تا بحال خبر دریافت نکردیم. اکنون بیشتر از آنچه به ما کردند شکنجه و تجاوز می کنند. موقع خواب به سرمان آب یخ می ریختند. آن قطرات آب یخ به مغزمان نفوذ می کرد. هنوز هم وقتی صدای آب می شنوم شکنجه را بخاطر می آورم.

## مجد عزت ال چورباجی



در سال ۲۰۱۳ در دمشق به زندان افتادم. علت دستگیری من گرفتن محل بیمارستان صحرایی و شرکت در راهپیمایی صلح جویانه بود. بعد از من همسر و سه فرزندم را نیز به زندان انداختند. آخرین بار همسر را وقتی به یک زندان دیگر منتقل می کردند دیدم. سر و صورت و تمام بدنش خونین بود. شش ماه بعد از اینکه من از زندان آزاد شدم همسرم بعلت شکنجه جان داد. نتوانستیم جسد وی را نیز بیابیم. تنها به من وسائل شخصی وی را تحویل دادند. تقریباً ۷ ماه در زندان های سوریه بسر بردم. زندانیان را از دستهایشان آویخته و با میل گرد آهنی کتک وی زدند. در آخرین زندانی که بودم در یک اتاق ۲۰ متری ۲۰ نفر زندانی زندگی می کردیم. روزهای بسیاری خواب نداشتیم. چند نفر سر پا می ایستاد تا چند نفر بتوانند قدری بخوابند. در ۲۴ ساعت تنها ۳ بار اجازه داشتیم به توالت بروم. خیلی وقتها انسانها مجبور بودن در جای خود رفع حاجت کنند. بسیاری از نوزادان که در زندان به دنیا آمدند می مردند. شکنجه های روانی غیر قابل تصویری اعمال می شد. بعضی وقتها این شکنجه ها ساعت ها و روزها بطول می انجامید. اعتصاب غذا کردم و بدینوسیله به دادگاه منتقل شدم. به این شکل من را آزاد کردند. بعد از آزادی قسم خوردم. برای آزادی زنان دربند مبارزه کنم. به این خاطر در کاروان وجدان شرکت کردم.

## ایلاش

اسم من ایلاش است. این نامی است که در زندان روی من گذاشتند. من یکی از اقلیت های هستم که اسد ادعا می کند از آنها حمایت و حفاظت می کند. شاید هم جرم دوم من اقلیت بودن و طرفدار اسد نبودن باشد. از اینرو به مناطق محاصره شده وسایل طبی، کمک های اولیه و برای بچه ها شیر می فرستادم. این جرمی بود که باعث شد به ۲۰ سال زندان محکوم بشوم. با وجود اینکه بیش از یک سال است از زندان آزاد شدم ولی هنوز هم از آثار آن رهایی نیافته ام. از نظر جسمی رها شدم ولی از نظر روحی هنوز در زندان بسر می برم. هنوز هم در کشتارگاه های که به آن بیمارستان می گفتند هستم. پیش شهیدانی که بدنشان تکه تکه شده است. و یا اشخاصی که منتظر لحظه مرگشان هستند و جوانانی که وزنشان بیش از ۳۵ کیلو نیست. پیش آن دختر بچه هایی هستم که جراثیم ندارند بگویند بیمار هستند. من هنوز هم کنار مادری هستم که به مدت ۵ سال با خواهر و مادر بزرگش و فرزندانش در زندان بسر می برد هستم. پیش کسی که تنها یکی از افراد خانواده اش با رژیم مخالف است و با این جرم زندانی شده است هستم. پیش کودکی هستم که در سه سالگی به زندان افتاده و ۵ سال است در زندان بزرگ شده است هستم. از او چه انتظاری می توان داشت؟ می خواهم تا آنجا که ممکن است فریادم را بگوش مردم برسانم. همه باید بدانند که در آنجا زیر شهرها شهر ساخته اند و در آنها کشتارگاه ها وجود دارد. در آنجا انسانهای وجود دارد که بزرگترین و زیباترین آرزوییشان مرگ است. می خواهم به این جنایات و مردم آزاری ها خاتمه دهم.



## نورالهدی حجازی



در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۲، یک مانع امنیتی نظامی که توسط اطلاعات سوریه در دمشق ایجاد شد، من را به بازداشت متهم کرد؛ زیرا بعد از جنگ در سوریه و به دلیل اعلام صدای آنها در رسانه ها، به افراد بیگناه کمک کرد. من در خیابان در مقابل صدها تن از چشم مردم، راه تحقیر آمیز بازداشت شده بود و من به ابزار اطلاعاتی تحت فشار قرار دادم. من به بهانه تحقیقات، زمانی که به شعبه هوش در خودرو رفتم، تحت آزار وحشتناک و غیرانسانی قرار گرفتم. من در اوایل صحبت و یا به سوالات شان پاسخ دادن را رد نمودم. من به طور مکرر مورد ضرب و شتم قرار گرفتم چون هیچ اطلاعاتی از آنها ندیدم، اما من هر گونه اطلاعات را رد کردم. از آنجا که اطلاعاتی که من میخواستم بسیار وسیع بود، می توانست کارکنان بهداشتی را که به افراد زخمی و بی گناه کمک کرده بودند، تأثیر بگذارد و من با هم کار می کردیم. من سربازان یکی از حساب های اسکایپ من را که دو روز پیش باز کرده بودم به آنها دادم. به طور معمول فقط یک حساب داشتم. من آنها را به حساب شخصی خود نمیدهم، اما از طریق نام کاربری نام کاربری خود را برای این آدرس از من خواستند. من حساب خود را باز کردم و با دوستانم صحبت کردم. یک دوست نوشت که می خواست مکان های فروشگاه های مواد مخدر در دمشق را یاد بگیرد. من او را متوجه شدم که در شرایط عادی نوشتم در حالی که من نوشتم نوشتم. افسر عصبانی بود که نمیتوانست چیزی به دست بیاورد. پس از آن، من به زندان کشیده شدم که هیچ نوع درمان انسانی را نمی توانستم بینم. سلول ها فقط شامل شش متر مربع بودند. فقط دو دهانه کوچک داشتیم که می توانستیم تنفس کنیم. این سلول با بوی مشکی پر شده بود و در مقابل توالی قرار داشت. همه به خوبی می دانستند که تحقیقات در سوریه، لباس های زنان، مردان و کودکان به طور کامل برداشته شده و غیر انسانی است. در سلول هفت نفر از زنان سوری وجود داشت. یکی از آنها یک زن ۶۵ ساله بود و دیگری دختر ۱۴ ساله ای بود که پس از تجاوز جنسی باردار شد. در آن شب، ما چیزی برای خواب نداشتیم، بنابراین روی کاشی ها افتادم. این یک شب خشن بود، من نمی دانستم چه اتفاقی بیفتد. من یادم می آید که شب در یک سوراخ آبی به یک مرد در کنار سلول صحبت کنم. او پنج سال در اینجا بوده است.

این تحقیقات صبح روز بعد آغاز شد. گارد محافظ من زمانی که نگهبان به من گفت با او نیست. آنها چشمان من را بستند و دستمالی کردند. سپس او را به اتاق بازجویی برد. من روی یک صندلی در اتاق نشسته بودم، ماموران در مقابل من بود من پرسیدن سوال، به علاوه چند سرباز در اتاق من می توانم شنیدن آنچه که آنها در مورد من بخندند. من نمی خواهم به هر گونه پاسخ، من پاسخ می دهم زیرا می توانست به تمام دوستان و خانواده ام باعث آسیب. تنها پاسخی که دادم «من چیزی نمی دانم» و «من چیزی نمی گویم». وقتی افسر آنها را شنید، بی رحمتی مرا ضرب و شتم کرد، صد ها نفری کرد. سربازان به آنجا ادامه دادند. برای هر سوال او نمیتوانست پاسخ دهد، او را ضرب و شتم کرد و به من ضربه ای الکتریکی داد. آنها چشمانم را بسته اند، بنابراین نمی دانم که وقت و کجا برق را می دهند و یا برق می دهند. وقتی که با درد فریاد می زدم، فقط می خندیدم پس از بازجویی دو ساعته و ضرب و شتم آنها به من در راه به سمت چپ دست من بیش از چهار ساعت در یک راهرو گره خورده است. همه کسانی که از راهرو عبور می کنند به من ضربه زده اند و



اتهام زشتی دارند. "او گفت: من با تجاوز به عنف در طول روز حتی در یکی از روز ترس، ساعت ها و ساعت افسر که پس از ضرب و شتم و توهین به یکی از دیگران این را به یک اتاق با پنج افسر، آنها به من تجاوز سوال ام در خطر بود وقتی که من تردید، آنها را از طریق راهروی طولانی حمل کردند. چشمانم بسته شد و برای آنها دعا کرد تا بروند. وقتی چشم هایم را در ده دقیقه باز می کنم، نمی دانم چه اتفاق در مقابل سلول رخ خواهد داد.

این تحقیق از روز صبح تا شب به مدت هفت روز ادامه داشت. من این موارد وحشتناک را هر روز تجربه کردم. وقتی خوابیدم، هرگز نمی خواستم صبح بیدار شوم، زیرا نمی خواستم این انسداد را دوباره بکشم. در پایان هفت روز، از این همه خستگی خسته شدم بعد از اینکه متوجه شدم که اگر تسلیم نشوید، کار نکردم، نام های یادداشت ها را دادم و گفتم که چیز دیگری را نمی دانم. او به من هفت مقاله داد تا آنچه را که من انجام دادم انجام ندهم. من به مدت هفت روز با شکنجه روحی دیگر زندانیان روبرو شدم. زندانیان جوان در مقابل انبار مورد ضرب و شتم قرار گرفتند تا اینکه از بین رفتند. هنگامی که آنها انجام می دهند، آنها آب یا برق را آب می کنند و می توانند دوباره آنها را شکنجه کنند. هر روز بیش از سه ساعت آنها فریاد می زدند. غذای روزانه ما سخت و سرد بود، هر روز خوردن سیب زمینی مشکلات سوءمصرفی داشتیم. شما مجاز به استفاده از توالت تنها دو یا سه بار در ۲۴ ساعت بود، نه ما فقط شش دقیقه برای استفاده از توالت استفاده کردیم. ما فقط می توانیم به مدت شش دقیقه یکبار دوش بگیریم. پس از ۱۳ روز ما به یک اتاق غم انگیز با یک سوراخ کوچکی منتقل شدیم که سوسک ها و حشرات دیگر را که با دوست من بیش از ۲ متر مربع نبود عبور می کرد. من از زندان نیستم، اما هنوز هر روز هزاران زن در زندان شکنجه میشوند، و هیچکس صدایش نمیکنند. اقدام برای پیام به مردم بین المللی، آزادی زندانیان زن در سوریه و امنیت زنان در سایر مناطق مناقشه صورت گیرد. اگر در سوریه موفق شویم، می توانیم در سراسر جهان موفق شویم.

## سیحا ال بارودیایی

حاما

دو فرزند داریم. وقتی با همسرم عازم بیروت بودیم در راه در محل کنترل دستگیر شدم. چون از باز کردن حجابم ممانعت ورزیدم در مرحله اول شکنجه شدم. پیش چشم همه مورد تجاوز قرار گرفتم. به زن ۵۵ ساله نیز تجاوز شد. ۹. یک دختر کلاس نهم داشت. شش نفر در یک اتاق جلوی چشم همه به او تجاوز کردند. شبها برای ما جهنم دیگری بود. ما را آویزان می کردند. وقتی بیهوش می شدیم ما را به زمین می انداختند و به آب روی زمین برق می دتند تا ما را بیهوش بیاورند. هر روز صبح شکنجه، شب تجاوز. هیچکسی فریاد ما را نشنید. اگر بدانید شبها بعد از ساعت ۱۲ چه اتفاقاتی رخ می داد. فرمانده سلیمان زیباترین دختران را انتخاب می کرد و به اتاقش فرا می خواند. دفتر وی دارای دو اتاق بود. اتاق پشتی اتاق تجاوز بود. یک دختر که به وی تجاوز شده بود حامله شد. حتی زمانی که حامله بود نیز مورد تجاوز قرار می گرفت. ۶. در ماه ششم زایمان کرد. جلوی چشمانش نوزادش را گلوله باران کردند. آن دختر دیوانه شد. اکنون خانواده اش وی را با طناب می بندند تا به خود و دیگران آسیب نرساند. زندانیان مانند اجساد بودند که از گرسنگی استخوانهایشان شمرده می شد و از شدت شکنجه پیر و فرسوده شده بودند. تنها بوی مرگ و جسد به مشامان می رسید. تمام اتاق ها بوی جسد می داد.

در کشور خودم در حالیکه بی گناه بودم زندانی شدم. خیلی شکنجه شدم. رژیم قاتل اسد بسیار بی وجدان است و ما را خیلی رنج داد. هنوز هم بعضی خواهرانمان در زندان بسر می برند. می خواهم صدای فریاد آنان را بگوش جهانیان برسانم. از تمام کشورهای جهان می خواهم تا صدای زنان زندانی سوری را بشنوند. این ظلم خاتمه یابد.

## عبده ال خزان

روز ۲۲ دسامبر سال ۲۰۱۲ یک گروه از ماموران حکومت منطقه من را دستگیر کردند و بصورت وحشتناکی من را روی زمین کشاندند. کیف و تلفن همراهم را از من گرفتند و من را به یک اتاق کوچک انداختند. بدون اینکه چیزی بگویند درب را بستند و رفتند. نیم ساعت بعد یک محافظ زندان با قامت و ریش بلند بر را باز کرد. گلوی من را فشرد و کشان کشان من را به اتاق فرمانده برد و در اینجا سربازان شروع کردند به فحش دادن، ناروا گفتن و به من دست زدند. من را متهم به کمک به تهاجمات مسلحانه کردند. یک دفعه محافظ دیگری که ابو عبدی نامیده شد وارد اتاق شد و همه را شلاق زد. در طول مدتی که در زندان بسر بردم انواع مختلف شکنجه ها را متحمل شدم.

## سمر النجار

حاما

سربازان رژیم با این بهانه که خواهرم به مخالفان کمک می کند آمده بودند تا وی را دستگیر کنند. چون مقاومت کردم من را هم دستگیر کردند. ۱۰۰ روز در زندان بسر بردیم. وقتی اعتراف نکردیم شکنجه شروع شد. هر روز مثل ۱۰۰ سال بود. گاهی در یک سلول و گاهی در سلول انفرادی بودیم. به من و خواهرم خیلی شکنجه دادند. وقتی شلاق می زدند از ترس مچاله می شدم. به من جلوی خواهرم و به خواهرم جلوی من تجاوز می کردند. آنقدر من را زمین زدند که یک روز کمر و پایم شکست. ۱۳ روز بیهوش ماندم. وقتی بیدار شدم خواهرم غرق خون بود. و فهمیدم که او را نیز به شدت زخمی کرده اند. وقتی به خواهرم شکنجه می کردند از من کمک می خواست ولی من هیچ کاری از دستم بر نمی آمد. گاهی روزهای متوالی غذا نمی دادند. چیزی را هم که بعنوان غذا می دادند برنج و یا ماکارونی خیس شده در آب و مملو از حشره بود. وقتی می پرسیدیم چرا به ما اینگونه غذا می دهید، می گفتند این تنها برای این است که نمیرید. حشرات را نیز می خوردیم. در نهایت هم من و هم خواهرم آزاد شدیم. آزاد شدیم اما نتوانستیم به روی هم نگاه کنیم. نتوانستیم با یکدیگر زندگی کنیم. خواهرم به یکی از کشورهای اروپایی رفت. من هم به ترکیه آمدم.

## ماریا

دمشق

۴۵ ساله و مادر ۵ کودک هستم. در حال حاضر در کمپینگ مهاجران عرسال زندگی می کنم. سربازان رژیم بدون آنکه علت آنرا بدانیم به محله ما حمله کردند. وارد محله شدند و در میدان محله تمام مردان را دستگیر کردند. بعد وارد خانه ها شدند و همه چیز را تار و مار کرده ربودند. نوبت خانه من رسید. درب خانه را شکسته و وارد اتاق شدند، فرمانده دستور داد تمام اهل خانه ردیف صف ببندند. من، همسر و پنج فرزندم در خانه بودیم، فرمانده دستور داد شوهرم را دستگیر کنند. بعد از من پرسید زیر لباس چه مخفی کردی، لباس را در بیاور. اگر من در نمی آوردم از سربازان می خواست تا در بیاورند. در عین لحظه فریاد کشان به وی التماس کردم، من را کتک زد و روسری من را در آورد، لباسم را پاره کرد؛ از من خواست سر پا بایستم و دستهایم را بالا نگاه دارم. در این میان به ما میگفت شما با مسلحان تفریح می کنید، در محله فحشا می کنید و همه شما بی شرف هستید. میگفت دفعه بعد باید با نفرات من تفریح کنید، دوباره بر میگرددیم چون ما از مسلحان قدرتمندتریم. اسباب خانه را تار و مار کرده، شکستند و رفتند. شوهرم یک هفته بازداشت ماند، وقتی آزاد شد تصمیم گرفت محله را ترک کرده و به لبنان برویم، چون می دانستیم که ما را به حال خود رها نخواهند کرد.

## ولا عاشی

حمص

## ابتسام ال ذیرانی

دمشق

۵۲ ساله هستم. روز پنجشنبه ۲۰ جون ۲۰۱۳ یک سرباز من را در نقطه کنترل دستگیر کرد. یکی در را باز کرد، فرزندانم را از ماشین پیاده کردند، به من اجازه ندادند از ماشین پیاده شوم و ماشین براه افتاد. در عین حال صدای گریه و فریاد فرزندانم بگوش می رسید. تمام پول و طلاهایی که همراه داشتم را بزور گرفتند. به مدت ۲۰ روز در واحد ضد جاسوسی نیروی هوایی زندانی بودم. در اینجا من را تجرید کرده شکنجه دادند. بازپرسی من ۳ روز طول کشید. بازپرسی در محل فرودگاه انجام می شد. سپس من را به زندان دست جمعی که ۶ متر در ۳ متر بود انداختند. در این اتاق کوچک بهمراه ۲۵ زندانی ۱۷ روز گذراندم. سپس من را به اتفاق ۶۰ زندانی دیگر که متهم به جرم تروریست بودن داشتیم به دادگاه ضد جاسوسی نیروی هوایی منتقل شدیم. بعد از محاکمه آزاد شدم.

متاهل هستم و ۳ فرزند دارم. در تاریخ ۳ اوت ۲۰۱۲ در یک بازرسی دستگیر شدم. بمدت ۳ روز متوالی شکنجه سخت روا داشتند. هر روز بازپرسی از ساعت ۲ بعد از ظهر شروع می شد و تا ساعت ۸ شب طول می کشید. هر روز ۲ زن زندانی به دفتر سرگرد سلیمان جمعه برده می شدند. در این دفتر دو عدد رختخواب، توالت و یک یخچال پر از مشروبات الکلی موجود داشت. روز چهارم دستگیری ساعت ۹ شب بعد از بازپرسی و شکنجه معمول به همراه یکی از دختران دربند ما را به دفتر سرگرد سلیمان جمعه بردند. در اینجا به نوبت و پشت سر هم بدفعات سرگرد سلیمان و دوستانش به ما تجاوز کردند. سرگرد سلیمان به آن جوانان ناسزا می گفت و بد رفتاری می کرد. با کنایه «بفرمایید سگ توله ها آنچه که می خواستید به شما می دهم» و به عمل کثیف خود ادامه می داد. این عمل کثیف روی من و دختر همراه با من ۲۴ ساعت ادامه داشت. در عین حال این مدت تمام زمان زندانی بودن من در این مرکز بود. در جابجایی اسرار بین اعضاء شعبه و نیروهای آزادی طلب هاما من مجددا آزاد شدم. این تجربیات تلخ را تا زنده هستم فراموش نخواهم کرد. در هر حال حقم را از آنان پس خواهم گرفت.

## ماریا

هاما





# كاروان وجدان چگونه تشكيل شد و براه افتاد؟







ابتدا هدف و بیانیه تعیین شد. ابتدا بیانیه زنان ترکیه اعلام شد و با حمایت زنان زندانی سوریه از این حرکت «کاروان وجدان» بعنوان یک حرکت اجتماعی تشکیل شد. بیانیه این حرکت وجدانی به زنان در سراسر دنیا ابلاغ و اعلام شد. نامه های دعوت و حمایت طلبی ارسال شد. اولین و سریعترین پاسخ از زنان بوسنی و هرزگوین دریافت شد. ۴ اتوبوس از زنان بوسنی و هرزگوین و در راس آنان مادران سربرنیتسا از بوسنی هرزگوین حرکت کرده و به استانبول رسید.

از سراسر دنیا پاسخ به نامه دعوت روان شد. حرکت «کاروان وجدان» در مدت زمان بسیار کوتاهی به یک حرکت بین المللی همبستگی زنان تبدیل شد. در این میان تمامی امور مربوط به برنامه ریزی، تهیه اتوبوس ها، تامین محل اقامت، مسیر تردد و دیگر اقدامات توسط هیئت های متشکل از زنان انجام شد.





Participation call for the CONSCIENCE CONVOY  
'SAVE THE WOMEN, SAVE HUMANITY'

During the Syrian war that has been ongoing since March 2011, close to 1 million people have lost their lives and tens of thousands have been detained and imprisoned. According to the last statistics of Syrian human rights organizations, the number of WOMEN detained by the Syrian Regime between March 2011 and the end of 2017 is 13,581. The number of women still held in prisons by the Syrian regime is more than 6,736. Of this number, 6,319 are adult women and 417 are children.

These numbers only represent the women held in official prisons; the number of people who are kept in different buildings and facilities used as prisons is still unknown. Some of the women were arrested or abducted during pregnancy and gave birth in prison or detention centers, and some were impregnated while detained after being repeatedly raped. In fact, the United Nations Independent International Commission of Inquiry on Syria has declared that for reasons such as stigmatization and trauma, cases of sexual violence have been underreported. Other women have been detained along with their children who are forced to witness all kinds of daily torture their mothers go through.

The crimes committed against the women since the beginning of the Syrian war, including sexual assault, torture and unlawful detention are all considered as crimes against humanity and war crimes according to international law. Although there are many unanswered questions, the only known truth is that the Syrian regime uses rape and assault on women as a weapon of war. Violations and crimes against women are not only committed by the Syrian Regime troops, but also by the mercenaries and the terrorist groups.

As women from all over the world, we are undertaking the journey of the "Conscience Convoy for the women" as a call to the world to communicate the voices of the women detained and tortured in Syria. Our aim is:

- To draw attention to the suffering of women who are being tortured, raped, executed, imprisoned and made refugees since the beginning of the war in Syria;
- To initiate an attempt to release all girl and women prisoners unlawfully held in Syria;
- To invite all humanity to take effective measures to protect women during conflicts and wars.

We will organize a convoy of buses to gather women from various backgrounds and professions such as lawyers, academicians, journalists, housewives, businesswomen, athletes, artists, NGO representatives, activists, social workers, teachers, doctors, politicians and so on. The convoy will start its journey on the 06.03.2018 at 10.30 a.m. from Istanbul after a press announcement, passing by Izmit, Sakarya, Ankara, Konya and Adana to reach the Syrian border from which together we will make a call to the world in the morning of 08 March 2018, World Women's Day. As a symbol, we will wear embroidered scarves around our neck throughout the journey. After our press statement in the closest secure area near the borders, we will visit Syrian women in a refugee camp before returning to Istanbul.

We will be pleased to welcome your attendance and support to this international convoy lead by women and for the women, the CONSCIENCE CONVOY.

Our sincere regards,  
Att. Gülden Sönmez  
On behalf of the Conscience Convoy



شد. بعد از آنکه مراحل آمادگی بصورت عمده به اتمام رسید حرکت و برنامه «کاروان وجدان» در اول مارس ۲۰۱۸ به دنیا و اذعان عمومی اعلام شد. این حرکت با شرکت بسیاری رسانه های معتبر موفق شد تا نظر جهانی را بخود و اهدافش جلب کند. مخصوصا اطلاعات داده شده توسط زنان سوریه ای که در کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرده اند انعکاس وسیع داشت.





**WORLDWIDE WOMEN  
START THE JOURNEY OF THE CONSCIENCE CONVOY  
TO AWAKE CONSCIENCE**

The ongoing war in Syria started exactly seven years ago. Hundreds of thousands people have been killed during in front of the world's eyes. Over 15,000 children lost their lives, not by normal death but by bombs which shattered their bodies. They have been buried under tons of debris, inhaled chlorine, sarin and other forms of chemical gas until life left slowly and painfully their little bodies. Some were subject to torture methods. An identified number of 13,581 women were subjected to torture, rape and other inhuman treatment in the prisons of the Syrian regime.

Currently, 6,736 women, of whom 417 are young girls are still living under this brutality, waiting for death in these prisons. Unidentified numbers of rape and torture victims have committed suicide. Some of the women who survived this cruelty are amongst us, holding on to life with the hope that accountability will be received for what have been done to them.

According to International law sexual assault against women, torture and unlawful detention are all war crimes and crimes against humanity. The known truth is that the Syrian regime uses rape as a weapon of war in Syria.

**Our question is:** In which international mechanism, state, civil authority or other responsible mechanisms are these women, who are exposed to this cruelty on the agenda?

We as women hear the painful and desperate screams of our sisters in the Syrian prisons. We have been waiting for seven years. Not a slightest effort was made for them.

**Enough!**

They are waiting for us while they suffer in these prisons. We want you to hear their voices and see them. We want you to do something for them.

We decided to take action in this matter. We as women from Turkey and from all around the world are taking the path of the **Conscience Convoy** for Syrian women who are unlawfully held and tortured in Syrian prisons to make their voices heard and to demand their release.

**Our goal:**

- To bring attention to women's growing suffering caused by torture, rape, execution, unlawful imprisonment and exile since the beginning of the Syrian war
- To start an initiative and call for the release of all girls and women prisoners held in Syria due to war
- To invite all humanity to take effective measures to protect women during wars

We will start our journey from Istanbul on Tuesday March 06, 2018 after a press release. We will pass through the cities of Izmit, Sakarya, Ankara and Adana before reaching the Turkish-Syrian border. On March 08 which marks the World Women's Day, we will make a call out to the entire world from the border city of Hatay. As a symbol, we will carry 6,536 pieces of embroidered scarves for every single imprisoned Syrian woman.

We invite everybody to join and support the International Conscience Convoy for the imprisoned Syrian women which will be made only by women.

The 'Conscience Convoy' is the voice of the oppressed women in Syria.

Join us to be part of our voices to break down together the prison walls!

[www.vicdankonvoyu.org](http://www.vicdankonvoyu.org)

[vicdankonvoyu@gmail.com](mailto:vicdankonvoyu@gmail.com)



مراحل آمادگی خاتمه یافت.  
گردهمایی شرکت کنندگان بین  
المللی از سراسر جهان در نقطه  
شروع حرکت «کاروان وجدان»  
یعنی استانبول شروع شد. در  
نهایت «کاروان وجدان» ساعت  
۱۰:۳۰ دقیقه روز ۰۶ مارس سال  
۲۰۱۸ میلادی با حضور جمع  
کثیری از بدرقه کنندگان و در  
حالی که ریزش باران شدید ادامه  
داشت از محل ینی کاپی استانبول  
حرکت کرد.





## Our Journey Begins

It started with a child writing something. They took him and his friends for interrogation. Mothers cried for help, saying, "they are only children, give my child back to me, please." They didn't, instead they tortured them. It started with children dying. Then the adults.

Those that did not want the war were powerless to stop it. They were slaughtered, by any means and methodology available. Sometimes executed, sometimes massacred.

We, the people of this generation, have witnessed the killing of children on live television. We have witnessed the period where the most killing of children took place. Nearly a million people were killed, of this, tens of thousands, children.

The lucky few were those who got away.

But we couldn't even find a square metre of space for those who migrated on an earth that is big enough to accommodate us all. Borders were shut. Babies drowned in open water. Over 400 thousand people were kept in detention centres and prisons. They didn't distinguish between women, children, elderly or men. 13,104 people lost their lives in these prisons because of torture. The news talks about 76,000 people of whom there is no news - we don't know what happened to them. Of that 116 are children, 4219 are women.

13,581 women were arrested. 6,736 women are still in these prisons, they are being tortured. The Syrian Regime is using rape as a weapon against women.

These crimes that are defined as war crimes and crimes against humanity were being committed in front of a world audience, international mechanisms and states. The international legal system was unable to prevent such crimes from being committed. One medical officer of the regime, leaked 55,000 pictures of torture, allowing us to finally show the world how thousands human beings were slaughtered, murdered and tortured to death.

Screams were heard through those pictures, moving borders and walls, in deafening sound.

We've heard you, my Syrian sister

We share your pain and we hear you, despite efforts of those who are trying to speaking over you and my dear sister we're coming for you.

No matter what religion, race or ethnicity, women from the four corners of the world are coming together to start a journey to the conscience of humanity. We are setting off on this journey to be the conscience of those who are in Syrian prisons. We are saddened! The more the world falls silent. The more you suffer persecution. We are saddened! Perpetrators of these crimes are emboldened by the silence of the world. We know you are waiting. We can hear you asking, "where is humanity?"

We're here my dear sisters, we have not left you and we're not going to leave you. And we are setting off on this journey to save you. To save you, to save your life, is to save humanity, and spark hope for a better future.

We're here. One world of women.

We are going to make the world hear that you exist.

We will disturb the decision-makers until we free you.

Once you're free, we will struggle together to protect all women.

This Conscience Convoy that's being formed with your voice and our conscience will destroy the walls.

Now is the time, we know.

We are including everyone in our convoy, with all our voices, coming to you.

**And we promise you - we will never give you up.**

اولین ایستگاه شهر کجا علی بود. اتوبوس در مرکز نمایشگاه اینترنتس توقف داشت و در اینجا اتوبوس های شهر های کوجا علی، یالووا و مناطق همجوار به کاروان ملحق شدند. بعد از اعلام بیانیه و انجام فعالیت های تعیین شده بطرف شهر ساکاریا حرکت کردیم. شرکت کنندگان در کاروان وجدان در سالن ورزشی آتاترک شهر ساکاریا برنامه ویژه ای به اجرا گذاشتند. در این برنامه برخی سخنرانی ها صورت پذیرفت. زنان سوریه ای از تمام شرکت کنندگان تشکر بعمل آوردند. تمام شرکت کنندگان در این گردهمایی زنان بودند و سخنرانان بر اهمیت حمایت از زنان و کودکان تکیه داشتند.







VICDAN  
KONVOYU









یک هیئت از «کاروان وجدان» در تاریخ ۰۷ مارس ۲۰۱۸ از طرف رئیس جمهور ترکیه آقای رجب طیب اردوغان و همسرشان خانم امینه اردوغان مورد قبول واقع شده و یک دیدار بعمل آوردند. در این دیدار زن سوریه ای خانم ماجید چورباجی خاطرات شکنجه در زندان سوریه را بیان کرد و سخنرانان دیگر نیز طبق بیاناتی خواست های خود را مبنی بر آزادی زنان و کودکان زندانی سوریه را مطرح کرده از رئیس جمهور آقای اردوغان به واسطه قبول هیئت تشکر و قدردانی کردند. در این دیدار رئیس جمهور آقای اردوغان ضمن بیان حمایت از «کاروان وجدان» خانم اردوغان نیز آرزوی آزادی زنان در بند سوریه را بزبان آورده جهت اهدا به زنان سوریه یک روسری دست بافت را بصورت تمثیلی هدیه دادند.

هیئت کاروان وجدان همچنین در آنکارا از مجلس ترکیه بازدید بعمل آورد و در مصاحبه مطبوعاتی مشترکی که با سرپرست کمیسیون حقوق بشر مجلس برگزار شد نقطه نظرات حرکت را اعلام داشت.











سپس کاروان بسمت شهر آکسارای حرکت کرد و در اینجا نیز با استقبال پر شکوه مردم بویژه زنان آکسارای مواجه شد و یک مصاحبه مطبوعاتی در این شهر برگزار شد.



کاروان وجدان روز ۰۷ مارس ۲۰۱۸ ساعت ۱۸:۰۰ به شهر آدانا رسید. در اینجا تعداد کثیری خودرو به استقبال کاروان وجدان آمدند و با همراهی این گروه بزرگ کاروان وجدان با شکوه هر چه تمامتر وارد شهر آدانا شد. گروه در مرکز نمایشگاه شهر آدانا یک مصاحبه مطبوعاتی برگزار کرده و در این محل اقامت کرد. شب با استراحت در کیسه های خواب و پتو پشت سر گذاشته شد و با ادغام شرکت کنندگان دیگر از دور و نزدیک تا صبح هنگام تقریباً ۷۵۰۰ زن شرکت کننده در کاروان بطرف مرز سوریه براه افتادند.









در این میان بسیاری از شرکت کنندگان از بخش شرقی ترکیه برای پیوستن به کاروان بسمت شهر حاتای حرکت کردند. در روز ۰۸ مارس ۲۰۱۸ یعنی روز جهانی زن تعداد بیش از ۱۰ هزار زن در میدان شهر حاتای گردهم آمده صدای خود را بگوش جهانیان رساندند.

در این همایش که توسط عده کثیری از مطبوعات داخلی و خارجی پیگیری می شد ابتدا بیانیه فریاد بی صدا اعلام شد.





Thursday 8th March 2018

## Silent Scream

10,000 women from across the world stand here today to voice our support and solidarity with the thousands of women across the border who are being held as hostages, who are being sexually brutalized and tortured just because they are women. The Time IS Now

Hear our voices sisters. We are here with you in body and spirit. Strong women from across the world wearing a bandana that signifies that we are tied to you and we won't let go. The Time is Now.

You will no longer be forgotten. The world will no longer be allowed to be blind to the atrocities being perpetrated against you and your children. The Time is Now.

People are asking us what we want to achieve.

THE TIME IS NOW to Stop using rape as a weapon of war.

THE TIME IS NOW to Stop brutalizing and torturing women.

THE TIME IS NOW to Respect international conventions on human rights and the Geneva Conventions.

THE TIME IS NOW for the Iranian, Russian and Assad regime to Free these innocent women immediately and to let them go home to their families.

To the brave women in the regime's prison:

Women from across the world are sending you a message of love and compassion. We feel your pain and we will be here till you are free. The Time is Now

Your plight will no longer be defined just by UN reports and figures from human rights organisations. You now have a face through us. The Time is Now.

We will not rest till we get you the justice you deserve. The Time is Now

Our journey to you over the last few days has tied us together to you and we won't ever let go. The time is now.

Our pledge to you:

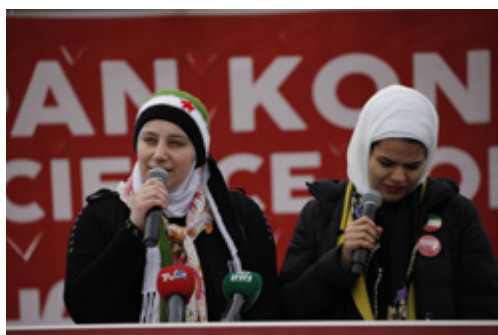
We will employ all legal avenues to have you released. We will work hard to have humanitarian organisations get access to you. The Time is Now

We will go after every war criminal who took advantage of you and not sleep till they are brought to justice. The Time is Now.

We will embark on a world diplomacy drive that will make sure that no government, no palace or person of influence is unaware of what is happening to you. The time is now.

Thousands of us here pledge that we will never forget you nor allow the world to forget you. The time is now

Our voices are not low but loud and strong, because YOU are strong. Our will is not weak but strong because YOUR will is strong. We will never give up despite the injustices YOU suffer, because YOU refuse to give up. This is the beginning...THE TIME IS NOW.



خانم وکیل گولدن سونمز بعنوان مسئول و سخنگوی کاروان ابتدا بیانیه ۸ مارس را قرائت کرد و پس از آن همه حصار را به فریاد بی صدا دعوت کرد. در این میان تعداد کثیری از زنان پناهنده از گوشه و کنار و شهر های دیگر ترکیه به میتینگ حاتای آمده بودند و در آن شرکت فعال داشتند. در میان آنها زنانی وجود داشت که پیش از این در زندان های سوریه اسیر بوده و شکنجه شده بودند.

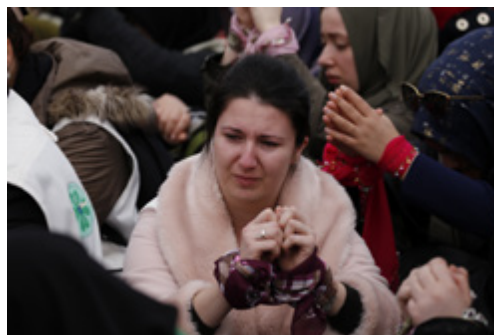








در این میان تمامی شرکت کنندگان زن از سراسر ترکیه و دنیا روسری که در طول سفر در گردن داشتند را به دستبند اسارت تبدیل کرده و فریاد بی صدا را اعمال کردند. زنان در این نشست به مدت ۵ دقیقه در حالی که دستان خود را به زنجیر کشیده بودند بصورت سمبلیک فریاد زنان در بند سوریه را بگوش تمامی وجدان های بیدار و تصمیم گیرندگان صحنه جهانی رساندند. آنان با فریاد بی صدا خواهان آزادی برای زنان دربند سوریه شدند.



VIGDAN KONVOYS  
CONSCIENCE CONVOY  
مَظَلَّةُ الضَّمِيرِ





# بعد از این چه خواهیم کرد؟

کاروان وجدان به هدف خود که همانا جلب توجه جهانیان به ظلم و شکنجه زنان در بند سوریه بود دست یافت. به لطف کاروان وجدان بسیاری از سازمان ها و موسسات این واقعیت ها را دریافتند. با تماس های که کاروان در طول مسیر داشت یک حرکت اجتماعی وسیع ایجاد شد. بدین ترتیب اولویت جدید این حرکت برقراری تماس های دیپلماتیک در خصوص نیل به مقصد آزادی زنان در بند سوریه خواهد بود. هیئت های متشکل از زنان با رهبران کشورها، سازمان های بین المللی و رهبران دینی ارتباط برقرار کرده با آنها ملاقات خواهند کرد.

ما تلاش بی وقفه خود را تا آزادی خواهرانمان و فرزندان آنها ادامه خواهیم داد. به هیچ عنوان آنها را به حال خود رها نخواهیم کرد.



# به نقل از شرکت کنندگان

به کاروان وجدان پیوستم چرا که نه سازمان ملل متحد و نه دول شرق و غرب هیچ کدام برای رهایی زنانی که زندانی شدند کاری نکردند و عجز و ناتوانی آنها را در این امر مشاهده کردم. حرکتی که توسط خواهران ترکیه ای سازماندهی شده و نزدیک به ۱۰ هزار نفر از ۵۵ کشور با این فعالیت همکاری نمودند برای متوقف کردن این ظلمیست که به زنان سوری روا می شود و تا رسیدن به این هدف دست از فعالیت نخواهد کشید و تا آزادی تک تک این زنان و کودکان باید به راهش ادامه دهد. زمان آن فرا رسیده است که جهان به فریاد خاموش این زنان گوش نماید. بی درنگ، همین حالا می بایست زنان سوریه آزاد شوند. ما نمی توانیم بدون هیچ دلیلی زندانی ماندن آنها را قبول کنیم. شاید ما بتوانیم تمام زنان سوریه را نجات دهیم، اما تا آنجا که می توانیم به آنها دست یاری بدهیم.

## یوون ریذلی

(روزنامه نگار سوئدی)



برای اولین بار انبوه زنان برای چنین هدفی گرد هم آمده اند. همه باید در این حرکت شرکت کنند تا اثر این اقدام قطعی شود. باید زن را به عنوان یک فرد اریایی کرد نه بعنوان یک جنسیت زن. ما برای رسیدن حمایت از خواهران سوریه ای خود داوطلبانه در کاروان وجدان شرکت کردیم و تا زمانی که خواهران سوریه ای ما آزاد نشوند به مبارزه خود ادامه خواهیم داد. کسانی که در مقابل ظلم ایستادگی نکنند به اندازه ظالمین گناهکار خواهند بود. تمام بشریت باید در مورد توقف کشتار زنان و کودکان در سوریه یک صدا شود. دیگر کافی است خیلی دلمان می سوزد. مادران و کودکان سوریه بسیار رنج می برند. ما وقتی می خواستیم از هندوستان جدا شویم و بعنوان مسلمانان کشور پاکستان را بنیاد نهیم مانند سوریه ها با ظلم فراوان مواجه شدیم. صدها هزار تن مردم بی گناه جان باختند. ما سومین نسل آنها هستیم که در پاکستان زندگی می کنیم. ظالم همه جا ظالم است. بر اساس آنچه که از بزرگان شنیده ایم همان روش ها و ظلمی که آن زمانها به اجداد ما روا شد امروز به مردم سوریه روا می شود. دیگر کافی است جنگ سوریه باید به پایان برسد. این سیاست ها دیگر به انسانها ضرر می رساند. کسانی که در مقابل این ظلم سکوت اختیار می کنند به اندازه ظالمین گناهکارند. من اطمینان دارم که کاروان وجدان با موفقیت کامل فریاد مظلومان را به گوش جهانیان خواهد رساند و نتایج مفیدی به همراه خواهد داشت. هر کسی که این رنج را چشیده باشد می تواند مشکل سوریه را حس کند. و به این دلیل فکر می کنم این حرکت باعث بیداری وجدان انسانها خواهد شد.

## منازا حسن

(نماینده مجلس پاکستان)





ما برای همدردی با خواهران مظلوم سوریه در ترکیه گردهم آمدیم و به کاروان وجدان پیوستیم. ما در اینجا گردهم آمدیم تا فریاد توقف ظلم به زنان در بند را بگوش جهانیان برسانیم. تمام سازمان های حقوق بشر برای توقف جنگ و ادامه این آزار باید دست بدست هم بدهند. کودک همه جا کودک و زن همه جا زن است.

## فوزیه حمید

(نماینده مجلس پاکستان)



در بسیاری از کشورهای اسلامی مانند کشمیر، یمن، مصر و سوریه جنگ و آزار به زنان وجود دارد. موقعیت سوریه بسیار متفاوت است. چون این ظلم توسط رژیم خودشان اعمال می شود. ما اینجا دور هم جمع شدیم تا در روز ۸ مارس صدای خود را به گوش جهانیان برسانیم.

## شکیلا خالد چودری

(نماینده مجلس پاکستان)



من اینجا هستم که تا بخشی از حمایت به زنان در بند سوریه باشم. ما بعنوان کشور آفریقای جنوبی و خانواده ماندلا از زنان در بند و شکنجه دیده در سوریه حمایت میکنیم. ما می دانیم که آنها در زندان، شکنجه می بینند و مورد تجاوز قرار می گیرند. من از آفریقای جنوبی و از خانه ماندلا برای بیان این موضوع تا بدین جا آمدم. من اینجا هستم تا به همراه زنانی که از دور و نزدیک به اینجا آمده اند خواهان توقف جنگ غیر انسانی سوریه و اعمال ظلم به این زنان هستیم. زمانی که ماندلا در زندان بسر می برد، ما همچنین از طریق رسانه ها مشکلاتمان را با سراسر دنیا در میان گذاشته و از این طریق قدرت کسب کردیم. من مطمئن هستم که کاروان وجدان مژمژم خواهد شد. دیگر کافی است، این جنگ می بایست متوقف شود. تهدید زندگی مردم سوریه رفتاری مغایر با انسانیت است. اگر دست به دست هم بدهیم شاید بتوانیم موثر باشیم.

## نولپاشو ماندلا

آفریقای جنوبی  
(عروس نلسون ماندلا)



من سالهاست که در زمینه اقدامات بشردوستانه فعالیت می کنم. دلیل حضورم در کاروان وجدان، حمایت از زنان در جنگ است. من به نمایندگی از زنان قطر به این کاروان پیوستم و من فکر می کنم که جهان نباید به این فریاد بی تفاوت بماند. شاید ما به آنها نتوانیم خانه و یا پول بدهیم ولی علاقه و حمایت خود را از آنها دریغ نخواهیم داشت. زنان در جنگ رنج می برند، آزار می بینند، هیچ کس به آنها کمک نمی کند. آنها قربانیان سیاست شدند. من می خواهم به خواهران سوریه خود بگویم که چون زن هستند و چون مسلمانان هستند آنها را خیلی دوست داریم. من می خواهم علاوه بر آنان صدای زنان مظلوم و نیازمند در سراسر جهان باشم.

## آسیا واحد ال رایا

(شاهزاده خانم قطر)



بهمراه دیگر خانمها از مالزی برای همدردی و همیاری زنان اینجا هستیم. آمده ایم تا به آنها قوت قلب بدهیم و قدرت اتحاد خود را به جهانیان نشان بدهیم. خواهان آزادی خواهران سوریه ای خود هستیم. امیدوارم این اقدامات مثمر ثمر واقع شده و باعث آزادی خواهرانمان بشود.

## پرفسور داتو ساری دکتر زلیحا کامارودین

(رئیس دانشگاه اسلامی مالزی)



جنگ بسیار جیز بدی است. ما هم در اوکراین شاهد جنگ بودیم. هنگامی که من در آن زمان به عنوان پزشک خدمت می کردم به دلیل جنگ ۱۶ کودک در دستانم جان دادند. برای همین خیلی خوب می دانم کسانی که توانایی حفاظت و دفاع از کودکان را ندارند از عهده ی دفاع از زنان عاجز خواهند بود. در مرکز شهر کی اف کودکان بسیاری توسط تک تیراندازان کشته شدند و هزاران کودک پدر و مادر هایشان را از دست دادند. می دانم زنان سوریه ای نیز با همین مشکلات روبرو هستند. من برای ابراز همدردی با آنان در اینجا شرکت کردم و برای نجات آنها از هیچ سعی و تلاشی دریغ نخواهم کرد.

## الگا بوگومولتس

(نماینده مجلس، اوکراین)



کاروان وجدان برای ما بسیار مهم است. این کاروان برای مظلومان بسیار اهمیت دارد و ما نیز نمی توانستیم به آن پی قید بمانیم. برای آزادی زنان سوری دربند که متحمل شکنجه هستند تمام زنان از گوشه و کنار دنیا در ترکیه گردهم آمدیم. در سوریه بالغ بر ۱۳ هزار زن سوری در زندان ها بسر می برند و ما با این کاروان فریاد آنان را بگوش جهانیان خواهیم رساند. هدف ما این است که با کاروان وجدان نظر افکار عمومی جهان را به ظلمی که در سوریه اعمال می شود جلب کنیم. دنیا به وحشتی که در اینجا اعمال می شود چشم و گوشش را بسته است. من اعتقاد دارم تا تمام جهانیان باید از آنچه که در این کشور روی می دهد مطلع گردد.

## آن شوفیلد

(سیاستمدار انگلیسی، عضو  
مجمع شهرداری نیوکاسل  
انگلستان)



تمام زنان برعلیه ظلم متحد شدیم. ما فریاد عدالتخواهی سر دادیم و هیچ قدرتی نمی تواند مانع ما بشود. ما در مقابل ظالم ایستادگی کرده و در کنار زنان با این کاروان براه افتادیم. دیگر کافی است. این جرائم جنگی و ظلم باید خاتمه یابد.

## دکتر عایشه

(نماینده مجلس پاکستان)



در این گردهمایی بزرگ شرکت کردم چرا که این حرکت علیه تمام کسانی است که حقوق زنان را زیر پا می گذاشته و نادیده می گیرند. شرکت کردم چون همدلی تمام زنان جهان را به نمایش می گذاشت. جنگ خانمانسوز تقدیر سرزمین من نیز بود و من به عنوان نماینده ی مجلس افغانستان از همین جا اعتراضم را علیه تمام ظالمین و تروریستها و رژیمهای توتالیتر اعلام کرده و می دانم این حرکت برای مظلومینی که طعم ظلم اینچینی را چشیده اند دارای اهمیت بالایی می باشد. من در این تظاهرات که تموفق شده زنان فراوانی از ملیتهای مختلف را گردهم آورد شرکت کردم تا شاید ظلمی که به خواهران و پناهندگان و کودکان سوریه ای اعمال شده پایان پذیرد و اعلام می کنم تا اخر حامی و پشتیبان این فعالیت هستم و خواهم بود.

## حمیرا ایوبی

(نماینده مجلس افغانستان)



من روزنامه نگاری از فرانسه هستم ، علت حضورم در کاروان وجدان قداست این جنبش است که توانسته زنان زیادی از کشورهای مختلف را برای رسیدن به هدف بسیار بزرگ و والایی در یک جا جمع کند. زبانهایمان یکی نبود و این مساله هیچ مشکلی را برایمان بوجود نیاورد ، چرا که دارای هدف بزرگی بودیم . از تمامی دست اندر کاران این برنامه کمال تشکر و قدردانی را دارم . بسیار کار موفقیت آمیزی بود.

## هند جابر

(روزنامه نگار از فرانسه)



دیگر نباید از زنان در جنگ بعنوان یک سلاح استفاده شود. در تمام نقاط جهان زنان مورد آزار قرار دارند و شکنجه می شوند. حال زمان پایان دادن به این امر است. چون تنها در سوریه زنان با رفتار نامناسب روبرو نیستند در فلسطین در مصر و در بسیاری از نقاط جهان وضعیت یکسان است. دیگر کافی است.

## مارسیا کارین

گومز گارسز

(برزیل)



در جغرافیایی قرار گرفته ایم که همواره شاهد درگیری و جنگ می باشد. خواهرا نی که از گوشه کنار جهان در اینجا گرد هم آمده اند خواهان آن هستند که مشکلات زنان و دختران سوریه ای و دیگر سرزمین ها را به اطلاع مردم سراسر جهان برسانند. ما هم می خواستیم جزء این مجموعه باشیم. در ابتدا باید سطح آگاهی خود و دیگر ملل را نسبت وجود چنین مشکلاتی بالا برده و آنان را با حقایق آشنا سازیم. آنطور که مشاهده می شود جنگ در یک قدمی ماست و باید برای حمایت و حفاظت از همدیگر قدمهای مؤثری برداریم و برای ارتقاء فکری جهت درک این حقیقت تلاش کنیم.

## پاتریکا امینا ایانز

(شیلی)





کاروان وجدان برای من خیلی مهم است. تمام اینها را ما در سال ۱۹۹۵ میلادی شاهد بودیم. در جنگ دو پسر و شوهرم را از دست دادم. جسد یک پسر و شوهرم را یافتیم ولی تنها سر پسر دیگر را یافتیم. با این تجربیات تلخ به راحتی می توانم بگویم که آنچه در سربرنیتسا بر سر ما آمد امروز در سوریه اعمال می شود. یک گلوله شما را می کشد ولی شکنجه چیز دیگری است و بسیار وحشتناک است. فکر نمی کنم کسی بهتر از من بتواند این زنان را درک کند. می خواستند من را در سربرنیتسا به حال خودم رها کنند اما من دعا کردم گلوله جان من را بگیرد ولی لطمه روانی نینم. در حالی که اجساد یک پسر و شوهرم را به من تحویل دادند می خواستند تنها سر پسر دیگر را به من تحویل بدهند. اما من او را به این شکل به دنیا نیاورده بودم که... ما بعنوان مادران و خواهران سربرنیتسا می خواهیم به زنان سوریه بگویم که شجاع و توانمند باشند. آنها را تنها نخواهیم گذاشت. از ۳ مارس تا کنون در راه هستیم. ما این راه طولانی را برای همراهی و همدردی با آنان طی کردیم. وقتی ما متحمل این آزار بودیم دیگران نیز سعی داشتن تا فریاد ما را بگوش جهانیان برسانند. خداوند متعال هانگونه که به ما کمک کرد به خواهران سوری ما نیز کمک خواهد کرد.

## رمضیه گوردیچ

بوسنی و هرزگوین  
(مادر سربرنیتسا)



ما خواهان آزادی زنان دربند و اخذ اطلاع در مورد ۴۱۹ دختر بچه هستیم. آنچه که بر سر ما آمد اکنون بر سر آنها می آید. آیا زنان و مادران مسلمان حق زندگی ندارند؟

## سوحرا سینانویچ

بوسنی و هرزگوین (رییس  
انجمن زنان پودرینتزه-براتوناچ)



مطمئن هستم اثر گذاری چنین حرکتی که شرایط گرد هم آوردن زنان از اقصی نقاط جهان را فراهم نموده است بسیار بزرگ خواهد بود. اینبار نیز به اهمیت زنان پی خواهند برد.

## رهاف الفقاوی

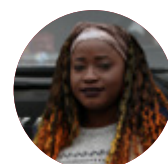
(کویت)



برای اعتراض به وضعیت زنان سوری به این کاروان پیوستیم. تمام زنان دنیا باید آزاد باشند. اگر خداوند متعال بخواهد و انسانها نیز اراده کنند آنان آزاد خواهند شد. چون زن، مادر است، خواهر است، همه چیز است. زن می بایست آزاد باشد. مهمترین چیز در دنیا زن است. می خواهیم به آنان بگویم تا استوار ایستادگی کنند بزودی آزاد و رها خواهند شد.

## ساذو سانوف

(گینه)



من از کویت به اینجا آمده ام. در عین حال یکی از اعضای مرمزه آبی هستم. کویت از ابتدا در خصوص مسئله سوریه از کشورهای مقدم بود. هم مردم هم دولت پا فشاری کردند و برای نیل به راه کارهای مناسب تلاش کردند. من در عین حال سرپرست یک سازمان کمک های بشری هستم. به نظر من نقطه تناقض مسئله سوریه در این است که بیشترین ظلم متوجه زنان و کودکان می باشد. آنچه را که برای من غیر قابل توجیح است این است که تمام کشورها بجز ترکیه در این مورد بی توجهی می کنند. بعضی وقتها خودم را جای خواهران دربند سوری می گذارم و میدانم که باید برای رهایی آنان کوشش کنیم. شاید هم ما با این کاروان فریاد زنی خواهیم شد که قادر به فریاد زدن نیستند. ما باید برای رهایی آنان آنچه که در توان داریم انجام دهیم. چندی پیش به یکی از شهرکهای چادر نشین در سوریه کمک های انسانی برده بودیم. در یکی از چادرها به یک مادر برخوردیم. می لرزید. بهوش نبود. پرسیدم چه شده؟ با نگاهی وحشتزده گفت: «فرزندم را در رختخواب جا گذاشتم». در ابتدا متوجه منظورش نشدم. گویا به خانه آنان بمب اذابت کرده و مادر برخی از فرزندان خود را از خانه بیرون آورده ولی فرزند کوچکش در رختخواب جا مانده است. این مادر را چگونه می توان تسکین بخشید؟ زنان سوری این چنین زندگی می کنند.

## سنان ال احمد

(کویت)



زنان فراموش شده، بله خواهران ما در سوریه به فراموشی سپرده شده اند. من یک کمترین هستم و هیچ نکته ی طنزی در آنچه بر زنان سوریه ای می رود نمی بینم. زنان دنیا! ما همچون ببر هستیم و ی غریم و فریاد می کشیم. می خواهیم که همه ما نعره بزنیم. بلند شوید و همه با صدای رسا فریاد بکشید و دست در دست هم بدهید. در طول حرکت این کروان دست در دست هم زنجیروار به حرکت خود ادامه خواهیم داد تا به مرز برسیم. حالا زمان آن فرا رسیده است که تمام جهان به صدای فریاد ما گوش فرا دهد.

## ساجیلا کیسجی

(نویسنده و کمترین انگلیس)



ما برای شنیدن فریاد تمامی زنان مظلوم جهان گردهم آمدیم. زنان ترکستان شرقی با آنکه تحت فشار و ظلم چین هستند با این حال برای رهایی خواهران سوری براه افتادند. چون ما زبان مظلومان را می فهمیم. ما اینجا هستیم و هیچگاه خواهران سوری خود را تنها نخواهیم گذاشت. روزی فرا خواهد رسید که ما هم پرچم ترکستان شرقی را به احتزاز خواهیم آورد. ثواب این اقدامات مشترکانه را خدا خواهد داد. خدا دعای مظلومان را قبول می کند. به او اعتقاد و اطمینان داریم.

## منور اوزاویگور

(ترکستان شرقی)



۶۰ ساله هستیم. برای همدردی با خواهران سوری تا به اینجا آمده ام. با تمام زنان دنیا باید با وجدان برخورد شود. بزرگترین حامیان زنان همجنسان زن آنان است. چون ما مادریم، خواهیم، همسریم. انسانها باید این را درک کنند. باید موثرتر باشیم. انشالله اینبار تمام دنیا صدای فریاد ما را خواهد شنید.

## فاطمه ابراهامس

آفریقای جنوبی



من امروز برای زنان سوریه آمده ام. من مخصوصا میلم تاکید کنم که زنان در همه عرصه های زندگی وجود دارند. من افتخار می کنم که اینجا باشم تا بتوانم تمام افراد مظلوم دنیا را بشنوم که شنیدن صدای زنان در معرض شکنجه و رفتار ناعادلانه در زندان سوریه است. هیچ مشکلی وجود ندارد که ما زنان نمی توانیم موفق شویم و نمی توانیم حل کنیم. من معتقدم که این مسئله اتفاق خواهد افتاد.

## مها الکلاف

کویت



پیرم. اما هیچ خسته نمی شوم. همه ما باید اینجا باشیم. امروز آنچه که زنان سوری متحمل می شوند سال ۱۹۹۵ میلادی را به خاطر من می آورد. این بار بسیار سنگینی است. شوهرم و دو پسر و در مجموع ۳۹ فرد از اقوام را در جنگ از دست دادم. این حسی غیر قابل توصیف است. از اینرو است که می گویم هیچکس بهتر از ما قادر به درک سوری ها نیست. قبل از هر چیز آرزو می کنیم تا ابتدا از این موقعیت مشکل رهایی یابند و یک زندگی معمولی داشته باشند. جنگ خیلی تلخ است. صلح می بایست بین تمام مسلمانان برقرار شود. دیگر این روزهای بد در گذشته بماند. من بعنوان کسی که شوهر، دو پسر و ۳۹ نفر از اقوام را از دست دادم آنها را بسیار خوب درک می کنم. خدا به هیچکس این عاقبت را روا ندارد. به زنان سوری اعلام می کنم. شما تنها نیستید، ما بعنوان مادران سربریتسا و زنان بوسنی و هرزگوین در کنار شما هستیم. سازمان ملل، آمریکا و روسیه از این وقایع در قرن بیست و یکم باید خجالت بکشند.

## مونیرا سوباسیچ

بوسنی و هرزگوین

(مادران سربریتسا)





انسانیت، برای چشمهای گریان و بدنهای مضطرب شده در این کاروان جمع شده است. من برای خواهران سوریه ای خود که از ابتدای جنگ تا به حال سختی ها و مصائب فراوانی را متحمل شده اند آمده ام من برای اینکه پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: "مؤمنان همانند یک پیکر هستند و اگر عضوی از آن به درد آید دیگر اعضا نیز آرام نخواهند بود" به این کاروان پیوستم. من برای بیدار کردن وجدان خفته جهان در کاروان شرکت کردم. برای حمایت از توو قدردانی از صبر بردباری تو به این کاروان امدم. شاید به مرور زمان ضعف برتوچیره گردد، اما بدان و آگاه باش از این راهی که قدم دران گذاشتیم باز نخویمیم گشت و تا آخر برای دفاع از حق و حقوق پایمال شده ی تواز پای نخواهیم نشست.

دعوت برای حضور در چنین حرکتی که مرزهای جغرافیایی را در نور دیده نشان دهندهان است که هنوز هستند افرادی که خواهان ارتقای ارزشهای انسانی در جهان می باشند. هدف من از شرکت در این گردهمایی این بود که من هم می خواستم مثل هرانسان با وجدانی سهمی در رسانیدن صدای مظلومیت زنان داشته باشم. می خواستم انسانها با شنیدن این ندا وجدان خفته ی شان بیدار گردد. این کاروان توانست زنانی را که خواستار برداشته شدن بار سنگین از دوش زنان جنگ زده هستند را در یک جا جمع کند. امیدوارم که این کاروان برای تمامی زنان جنگ زده که با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می کنند چاره ای مناسب اتخاذ نماید. امیدوارم تمامی ساعات و لحظاتی که این کاروان را همراهی میکردیم شاهد و گواه ما در آخرت باشد. امید که تمامی کشورها از کشور ترکیه که پرچمدار این حرکت است الگو برداری کنند.

مثل تمام زنان دنیا میدانم که در زندانها چه بر سر زنان سوری می آید. ببری رساندن فریاد این زنان و همچنین به امید آزادی شان به این کاروان ملحق شدم. به نظرم حضور زنانی که مدتها قبل زندانی بوده و در حال حاضر نیز در جمع ما حضور دارند امیدی است برای تمامی زنان دریند. هدف بسیار والایی که چنین جمعیت بزرگی را از سراسر جهان گرد هم آورده حتما موفق خواهد بود.

## عایشه ف. ما القصار

(حقوقدان از کویت)



## مایسون س شاهین

(محقق مرکز حقیقاتی دانشگاه

کی ای او ژاپن)



## هیا الشاطی

(کویت)



من هم مثل زنان سوری همین تجارب تلخ را در بوسنی داشتیم. همسر و فرزندم را از دست دادم. تجربه بسیار تلخی است. مشکلات خواهرانمان را بگوش جهانیان خواهیم رساند.

## گوردیچ رامیزن

بوسنی و هرزگوین (مادران سربرنیتسا)



مسافرت زنان بوسنی و هرزگوین توسط زنان ترکیه حمایت شده است. بسیاری از زنان سوری در زندان ها بسر می برند. دنیا تنها نظاره گر این واقعیت است. در روز ۸ مارس همه یک صدا بر علیه ظلم و شکنجه زنان فریاد بسر خواهیم داد.

## ادینا گوژو

(انجمن اتحادیه فرهنگی بالکان)



ما میدانیم که آنان متحمل چه آزاری شده اند. شوهرم و سه فرزندم را از دست دادم. هیچ جا سربرنیتسا نشود و هیچکس آزاری که ما متحمل شده ایم را شاهد نشود در اینجا گردهم آمدیم. ما برای رضای خدا براه افتادیم و از اینرو همه چیز خیلی خوب پیش می رود. دست مظلومان را خواهیم گرفت.

## رافیا حاجی بولیچ

بوسنی و هرزگوین (مادر سربرنیتسا)



آنچه که بر سر زنان سوریه آمده است مرا به یاد حوادث سربرنیتسا می اندازد. همه چیز جلوی چشمانم مجددا زنده شد. ما خیلی انسان از دست دادیم. بیش از ۸ هزار مرد کشتار شدند. شوهرم و فرزندانم را از دست دادم. ما بلافاصله بعد از آنکه مطلع شدیم براه افتادیم. مثل اینکه در سربرنیتسا هستم و مثل اینکه پسران من را دستگیر می کنند. هیچکس متحمل چنین ظلمی نشود. ما آنها را خیلی خوب درک می کنیم. ما به همراه خود یک بوسنی و هرزگوین کوچک را به حاتای می بریم. به آنها یک پیام داریم. «شما تنها نیستید» ما با شما هستیم. صبر کنید، پیروز خواهید شد.

## نورا مصطفی ایچ

بوسنی و هرزگوین (مادر سربرنیتسا)



از استانبول تا به اینجا با کاروان همسفرم. بخاطر اشکهایی که ریختم خجول شدم. انسانها به من می گفتند چقدر قدرتمند هستی. اینجا سه روز است با زنانی که از سوریه آمده اند صحبت می کنیم. یک مادر گفت که سه فرزندش را از دست داده است. رنجی را که متحمل شده اند را دیدم، آتشی که بر دل من نشست با اندوه آنان غیر قابل مقایسه است. من دست کم در کشور خود و در کنار مردم خودم زندگی می کنم. این مردم به زخم من و روح من بهترین دارو را تجویز کرد. خواهران سوری مجبورند زخمهایشان را در سرزمین های دیگر درمان کنند. در وطن خود نیستند و با زبان خود تکلم نمی کنند. این سه روز برای من تجربه بزرگی بود. در مسافرت با اتوبوس در هر ایستگاه با افراد مختلف صحبت داشتیم و مخصوصا میهمانان خارجی فوق العاده همدردی کردند. این حرکت در مطبوعات جهانی نیز مطرح شد. ما در اینجا هر چند نا چیز ولی دست کم طرف خود را مشخص کردیم. می دانم که به تنهایی کاری از من ساخته نیست و چنین ادعایی هم ندارم. چون من در سالیان اخیر تنها می توانم خودم را سرپا نگهدارم. در اینجا فهمیدم شاید بتوانم عبدالله را برگردانم ولی می توانم کمک کنم تا در عرصه زندگی مادران و کودکان در کنار هم زندگی کنند. من با حالت روحی بسیار عجیبی در اینجا حضور دارم. هر گاه احساس خستگی کردم خود را در قبر فرزندم حس کردم و درک کردم که آنان نیز چقدر دلتنگ هستند. هر چند من دیگر نمی توانم عبدالله را در آغوش بگیرم ولی انشالله آنها فرزندان خود را در آغوش خواهند گرفت.

حرکت موجود در سطح بین المللی فعالیت بسیار مهمی است. افراد زیادی با زبان، ملیت و ادیان مختلف گرد هم آمده و دست در دست هم داده اند تا صدای زنان زندانی شده و مورد شکنجه و تجاوز قرار گرفته را به گوش جهانیان برسانند. خوشا به حال ما که در شنیده شدن صدای آنها سهمی هر چند کوچک بر عهده رفته ایم.

من خواننده موسیقی اصیل ترکیه آیلین شنگون تاشچی هستم. من هم از نزدیک ظلم جنگ دراز مدت سوریه و رنج متحمله را احساس می کنم. هر چند شاید در کنار آنان نباشم ولی با آنان همدرد هستم و احساس آنان را درک می کنم. چه اندوه بار است خبرهای که در مورد شکنجه و تجاوز در زندان های سوریه به گوشمان می رسد. از اینرو من نیز کاروان وجدان را حمایت می کنم.

## نیحال اولچوک

(مادر شهید ۱۵ تموز)



## بورجو چتین کایا

(ورزش کار ملی ترکیه و عضو تیم ملی رالی)



## آیلین شنگون تاشچی

(ترکیه (خواننده)

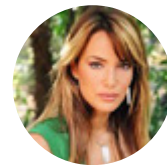




ما برای فریاد دادخواهی زنان دربند سوری که به تاحق در زندان بسر می برند و تحت شکنجه قرار دارند در حرکت کاروان وجدان شرکت کرده و از آن حمایت می کنیم. بدینوسیله از تمامی دست اندرکاران که تمامی امکاناتشان را در خدمت این امر گذارده و موجب امیدواری مظلومین شده اند سپاس گذاری می کنم. خداوند یار و یاورتان باشد.

## غمزه اوزچلیک

ترکیه (هنرپیشه)



سلام من دکتر نسلیحان شکر هستم. یکی از دوستانم در انجمن حمایت از حقوق بشر به من پیشنهاد کرد تا در کاروان وجدان شرکت کنم. بدین ترتیب من از ظلم روا شده به زنان دربند سوری مطلع شدم. در ابتدا بواسطه شغل و زمان زایمان بعضی از بیمارانم مایل بشرکت در این کاروان نبودم. ولی بعد از قدری تفکر احساس کردم خواهران مظلوم و دربند سوری بیش از دیگران به کمک ما احتیاج دارند و به این لحاظ پیشنهاد شرکت در کاروان را قبول کردم، و چه کار خوبی کردم. در واقع وقتی که در این حرکت قرار گرفتم خود را چون موری که برای خاموش کردن آتش حضرت ابراهیم آب حمل می کرد احساس کردم. اگر کاری هم از دستانم بر نیاید حداقل خواستم تا بدانند کسانی هستند که بفکر آنان هست و با آنان همدردی می کند. در راه به این فکر می کردم که روح اتحاد قدرت عجیبی است که فادر به انجام هر کاری هست و حتی اگر لازم باشد می توان در این راه جان باخت. انشالله با قطره آبی که حمل می کنیم این آتش خاموش شود و ما نیز مسبب آن باشیم خداوند پشت و پناه دست اندر کاران باشد. انشالله وسیله رهایی و آزادی خواهرانمان باشد و آن روزها را همه با هم ببینیم. سپاس گذارم.

## دکتر نسلیحان شکر

(ترکیه)



من مادر شهید محرم کریم ایلدیز هستم که در پل بوغاز شهید شد هستم. خودم را نیرومندتر از گذشته احساس می کنم. به وجود این زنان ما از پس هر مشکلی بر خواهیم آمد. انشالله به خواهران سوری خود نیز کمک خواهیم کرد.

## آسیه ایلدیز (مادر)

شهید ۱۵ تموز



اسم من نازیک سانسار است و راننده تاکسی هستم. بعنوان یک زن راننده تاکسی بودن مشکل است ولی کارم را دوست دارم و با علاقه آن را انجام می دهم. از استانبول به کاروان وجدان پیوستم. ما صدای وجدانمان را گوش دادیم و با اتوبوس ها برها افتادیم. مسافرت قدری مشکل بود. امیدوارم فریاد بی صدای این حرکت در ترکیه و دنیا به اهداف خود برسد. با آرزوی دنیایی عادل و مساوی برای زن و مرد، دنیایی که زنان نیز مانند مردان از آزادی برخوردار باشند.

## نازیک سانسار

ترکیه (راننده)



ما بعنوان حقوقدانان مدت ۷ سال است از زنان دربند و تحت آزار و مخصوصا از کاروان وجدان حمایت می کنیم، راهتان هموار باد.

## وکیل ایف بالات

(ترکیه)



## عایشه آقدنیز

(ترکیه خانم خانه)



در کنار زنان که از چهار گوشه جهان آمده اند هستیم. از هر قومی زنان در این کاروان حضور داشتند و با آنها آشنا شدیم. آنان نیز تحت فشار زندگی کرده اند و حالا برای کمک به دیگر مظلومان شتافتند. خدا از کسانی که این برنامه ریزی را انجام داده اند راضی باشد. با شرکت در این حرکت خودم را شخصی مفید احساس می کنم. اگر بار دیگر نیز چنین حرکتی انجام شود دوباره شرکت خواهم کرد. برای من همراهی و همدردی با خواهرانم مایه افتخار است. انشالله زحمتان بیهوده نمی شود. خدا یار و یاور همه باشد.



ما تلاش بی وقفه خود را تا آزادی خواهرانمان و فرزندان آنها  
ادامه خواهیم داد. به هیچ عنوان آنها را به حال خود رها  
نخواهیم کرد.





# كاروان وجودان

vicdankonvoyu.org :TR  
conscienceconvoy.org :EN  
conscienceconvoy.org/ar :AR  
/conscienceconvoy.org/ru :RU

vicdankonvoyu@gmail.com :Email



/vicdankonvoyu  
/womenconvoy  
/Conscience\_Conv